

نظام یک کشور - دو سیستم در حاکمیت ملی چین

دکتر مهدی فاخری^۱

^۱. استادیار دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه. m.fakheri@sir.ac.ir

چکیده

کشور کمونیستی مانند چین علیرغم نظام اقتدارگرا، برنامه ریزی مرکزی و سطح پائین مشارکت مدنی دست به آزادسازی اقتصادی لیبرال زده و با برنامه اصلاحات خود در ۴۰ سال توانست ۸۰۰ میلیون نفر را از فقر خارج کند. این مقاله بر آن است تا ضمن مطالعه مورد خاص چین - هنگ کنگ - تایوان به این پرسش پاسخ دهد که آیا یک نظام ایدئولوژیک کمونیستی قادر است ضمن حفظ حاکمیت ملی خود با سیاستها و ابزار اقتصاد لیبرال به توسعه اقتصادی دست یابد و از تعارضات اجتماعی در امان بماند یا خیر؟ آیا اصولاً می‌توان نظامهای تلفیقی را به عنوان الگوی موفق توسعه در نظر گرفت یا بهتر است از تعمیم دستاوردهای خاص خودداری و پرهیز کرد؟ هرچند اتخاذ سیاستهای تلفیقی در برخی کشورها نتایج فاجعه باری داشته است، اما دولتهایی مانند چین با اقتدار گسترده و منابع مالی کافی در شرایط بهتری برای اجرای نظام مختلط "یک کشور، دو سیستم" هستند و هرچند در این راه با چالشهایی در زمینه اعمال حاکمیت ملی خود مواجه می‌شوند، اما هزینه غیرممکنی بر آنها تحمیل نمی‌گردد.

• واژگان کلیدی

چین، هنگ کنگ، تایوان، یک کشور دو سیستم.

وفاداری به نظامهای ایدئولوژیک در بین احزاب و گروههای سیاسی همواره به چشم خورده است. در جامعه لیبرال انتظار طبیعی وجود آزادیهای اجتماعی، حضور فعال بخش خصوصی و جامعه مدنی پویا است، در حالی که در یک نظام سوسیالیستی توقع مالکیت دولتی بر منابع تولید و عرضه، برنامه ریزی اقتصادی متمرکز و کمبود آزادیهای اجتماعی می‌باشد. کشور کمونیستی مانند چین علیرغم نظام اقتدارگرا، برنامه ریزی مرکزی و سطح پائین مشارکت مدنی دست به آزادسازی اقتصادی زده و به برکت برنامه اصلاحات خود در ۴۰ سال گذشته توانسته است ۸۰۰ میلیون نفر را از فقر خارج کند و ادعای رهبری جهانی شدن را دارد. همزمان با تلاشهای اقتصادی، چین توانست حاکمیت از دست رفته بر هنگ کنگ و ماکائو را در اواخر قرن بیستم از انگلیس و پرتغال پس گیرد و در چارچوب نظریه "یک کشور دو سیستم" تلاش نماید؛ ضمن حفظ نظام سیاسی-اقتصادی حاکم بر دو منطقه، ایدئولوژی و حاکمیت سیاسی خود را بتدریج اعمال نماید. از سوی دیگر، سیاست "یک چین" که در مورد تایوان به کار گرفته شده و هدف آن دستیابی به چین یکپارچه می‌باشد در عمل با مقاومت‌های داخلی و خارجی مواجه شده و امکان بروز یک برخورد نظامی را مطرح کرده است.

اهمیت موضوع از این نظر است که چین به عنوان یک ابرقدرت تازه توانسته ضمن حفظ نظام کمونیستی سیاستهای اقتصادی لیبرال را طی نیم قرن در کشور خود اجرا کرده و با نتایج رضایت بخشی روبرو شود. اما زمانی که آزاد سازی اقتصادی جای خود را به آزادیهای سیاسی در مناطق بازگرفته شده یا با امید بازگیری در آینده نوع برخورد بازیگران تغییر شکل داده و دستاوردهای گوناگونی را رقم می‌زند.

در باره حاکمیت ملی چین و مسائل مبتلا به آن کتابهای زیادی منتشر شده است اما در زمینه چالشهای به وجود آمده در پنج سال اخیر ادبیات جدید در حال تولید است. یکی از کتبی که تحلیلی ساختارگرایانه از نحوه اعمال حاکمیت در چین ارائه کرده تحت عنوان "چین، حاکمیت دولت و نظام حقوق بین‌الملل" (چان، ۲۰۱۵: ۲۰-۲۸۸) به چاپ رسیده که در آن ضمن نقد نگرش غربی نسبت به حقوق بین‌الملل و حاکمیت دولت، مکتب چینی را از زمان

جنگ تریاک تا جهانی شدن مورد بررسی قرار داده و نظرات دولت را در زمینه حقوق بشر، دموکراسی، حاکمیت و ضرورت تقویت حکومت قانون در سطح جهان ارائه کرده است. چالش دموکراتیک هنگ کنگ در کتاب "یک کشور دو سیستم در بحران" مورد مطالعه قرار گرفته و اشاره می‌شود که انتظارات مردم هنگ کنگ و دولت انگلیس از احترام دولت چین به قرارداد واگذاری برآورده نشد و چین با هنگ کنگ به عنوان بخشی از قلمرو ارضی و مانند شهرهای دیگر برخورد کرده است و نه به مثابه یک دولت مستقل یا حتی خود مختار (بیوچونگ، ۲۰۰۴: ۳۱). در زمینه بحران تایوان جدیدترین کتاب توسط جامعه شناس تایوانی به رشته تحریر در آمده و در آن ضمن بررسی ریشه‌های نارضایتی مردم و به قدرت رسیدن یک حزب طرفدار استقلال، تبعات سناریوهای احتمالی را با توجه به تحولات بین‌المللی بررسی کرده است (هومینگشو، ۲۰۱۹: ۲۷۸).

این مقاله بر آن است تا ضمن مطالعه مورد خاص چین-هنگ کنگ- تایوان به این پرسش پاسخ دهد که آیا یک نظام ایدئولوژیک کمونیستی قادر است با سیاستها و ابزار اقتصاد لیبرال به توسعه اقتصادی دست یابد و از تعارضات اجتماعی در امان بماند یا خیر؟ آیا دستیابی به اهداف اقتصادی به منزله تضمین ثبات و آرامش سیاسی است؟ آیا اعمال حاکمیت در سرزمین اصلی و قلمروهای وابسته از سازوکار یکسانی پیروی می‌کند و آیا اصولاً می‌توان نظامهای تلفیقی را به عنوان الگوی موفق توسعه در نظر گرفت یا بهتر است از تعمیم دستاوردهای خاص خودداری و پرهیز کرد؟ هر چند اتخاذ سیاستهای تلفیقی در برخی کشورهای در حال توسعه نتایج فاجعه باری به دنبال داشته است، اما می‌توان ادعا نمود در صورتی که دولتهایی مانند چین دارای اقتدار گسترده بوده و منابع مالی کافی در اختیار داشته باشند در شرایط بهتری برای اجرای نظام یک کشور- دو سیستم هستند.

۱- از کمونیسم به اقتصاد بازار

در ۷۰ سالگی که از انقلاب چین می‌گذرد سه نفر از رهبران کشور توانسته‌اند تاثیری چشمگیر بر سرنوشت کشور بگذارند. مائوتسه تنگ^۱ با اعتقاد راسخ به سوسیالیسم توانست کشاورزان چینی را متحد کرده و کشورش را با انقلاب کمونیستی وارد مرحله‌ای جدید از تاریخ

^۱. Mao Zedong

معاصر نماید و نه تنها با نظام سرمایه داری غرب مقابله کرد، بلکه حتی شوروی را نیز به چالش کشاند. هرچند استقرار کمونیسم در چین مائو باعث جدایی تایوان از آن کشور شد، ولی مائو موفق گردید تحت لوای کمونیسم جامعه را متحد کرده، قومیت‌ها و مذاهب مختلف را تحت کنترل درآورده و قدرت دولت مرکزی را به نحو موثری افزایش دهد. سیاست خارجی چین در زمان مائو تلاش برای گسترش روابط با کشورهای در حال توسعه و مشابه سازی ایدئولوژیک در بین آنان بود تا بتواند با امپریالیسم آمریکا و شوونیسم شوروی مبارزه نماید.

دنگ شیائوپینگ^۱ بنیان گذار اصلاحات چین بود که به دلیل عقب ماندگی اقتصادی کشورش تصمیم گرفت از اصول اقتصاد آزاد پیروی کند تا بتواند با فقر مبارزه کرده و با افزایش تولید به نیازهای جامعه یک میلیاردی چین در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ قرن بیستم پاسخ دهد. وی در راه تلاش‌های اصلاح طلبانه خود محکوم به اعدام هم شد؛ ولی توانست با پایداری به اهداف خود دست یابد و با پایه گذاری مبنایی جدید، چین را وارد راه توانایی و بزرگی نماید. دنگ اولین فردی در چین بود که با صراحت ناکارایی اقتصاد سوسیالیستی و مالکیت دسته جمعی را گوشزد کرده و توانست در یک تلاش بلند مدت راه را برای ورود شرکتهای چند ملیتی به چین هموار ساخته و بدون فراموش کردن اصول سوسیالیسم، زمینه را برای ایجاد و رشد بخش خصوصی و اقتصاد بازار فراهم آورد. وی نه تنها با نیکسون و کیسینجر برای عادی سازی روابط با آمریکا مذاکره کرد، بلکه توانست مذاکرات با مارگارت تاچر برای بازپس گیری هنگ کنگ از انگلیس را در سال ۱۹۹۷ به سرانجام برساند و طی قرارداد واگذاری که به امضای دو طرف و سازمان ملل رسید پذیرفت که طی پنجاه سال هیچگونه تغییری در نظام اقتصادی و حقوقی هنگ کنگ ایجاد نکند. همین الگو برای بازپس گیری ماکائو از پرتغال تکرار شد و در سال ۱۹۹۹ قرارداد واگذاری ماکائو نیز امضا گردید و بدین ترتیب دنگ توانست شرمساری قرن نوزدهم چین در از دست دادن بخشی از قلمرو را در واپسین سالهای قرن بیستم جبران نماید و با دیپلماسی ساکت خود نه تنها مبنای قدرت را در کشورش تحکیم کرد بلکه توانست با گسترش روابط سیاسی با سایر کشورهای جهان چین را از انزوا خارج کرده و به بازیگری موثر در صحنه روابط بین‌الملل تبدیل کند بدون اینکه حساسیت خاصی در محیط پیرامونی خود برانگیزد.

^۱. Deng Xiaoping

در پایان قرن بیستم حاکمیت ملی چین به اوج اقتدار خود رسید. وقتی در سال ۲۰۰۱ عضویت چین در سازمان جهانی تجارت مورد قبول قرار گرفت تهاجم تجاری آن کشور در سطح جهان آغاز و باعث ایجاد ذخایر عظیم ارزی شش تریلیون دلاری و خیز برای تبدیل شدن به اولین قدرت اقتصادی جهان شد (فنگ، ۲۰۱۶: ۷۳). چون عضویت در سازمان محدود به کشورها نیست و قلمروهای گمرکی مستقل نیز می‌توانند در آن عضویت داشته باشند چین اولین کشوری گردید که با استفاده از عضویت هنگ کنگ و ماکائو دارای سه حق رای گردید و با استفاده از این نفوذ توانست به بازیگری مهم در تجارت بین‌الملل تبدیل شده و بر قدرت جهانی خود بیفزاید.

سومین رهبر قدرتمند شی ژینپینگ^۱ است که در سال ۲۰۱۳ به قدرت رسید و توانست چهره جدیدی از چین به جهان عرضه کند. وی از دیپلماسی ساکت برداشت و رویه‌ای تهاجمی در پیش گرفت. در داخل دست به یک مبارزه سیاسی زده و ضمن مهار اقوام مختلف، مذاهب گوناگون و مناطق متشنج، سلطه حزب کمونیست بر کلیه امور مملکت را تسهیل کرد. در مبارزه با فساد چهره‌های کشوری و لشکری متهم به سوء استفاده را از قدرت کنار گذاشت و از این شعار برای حذف پاره‌ای از مخالفان خود نیز بهره گرفت. بودجه نظامی کشور را افزایش داد و با ایجاد جزایر مصنوعی در دریای جنوب چین آمریکا و متحدان آسیائیش را به چالش طلبید.

در زمینه اقتصادی، با توجه به کاهش تدریجی نرخ رشد اقتصادی، شی برای استفاده از ظرفیت خالی تولیدی چین طرح "یک کمربند، یک جاده"^۲ را مطرح ساخت و امکانات کشورش برای سرمایه گذاری در بخش زیربنایی ۶۵ کشور در حال توسعه را ارائه کرد (یئونگ، اس سی ام پی: ۲۰۱۷) سپس دست به ایجاد بانک توسعه سرمایه گذاری زیربنایی آسیایی (AIIB)^۳ زد تا بتواند چارچوب مالی طرح اول را پایه ریزی کند، به رقابت تجاری با آمریکا پرداخت و تلاش نمود با استفاده از سازوکارهای گوناگون رهبری جهانی شدن را در دست گیرد، با امضای قراردادهای تجاری دو یا چندجانبه موقعیت خود را در سازمان جهانی تجارت تحکیم کرد و در زمینه تکنولوژی، نوآوری و هوش مصنوعی انقلابی ایجاد کرد که آمریکا و اروپا را وادار به واکنش و اخذ اقدامات احتیاطی برای منافع خود نمود. (لاو، ۲۰۱۸: ۱۷)

^۱. Xi Jinping

^۲. One Belt, One Road (OBOR) or Belt and Road Initiative (BRI)

^۳. Asian Infrastructure Investment Bank

روند اصلاحات چین: چندی پیش چین چهلمین سال اصلاحات خود را جشن گرفت و به برکت روند طی شده تبدیل به یک ابرقدرت در جهان شد. بررسی روند مزبور و کشف ویژگیهای آن می‌تواند برای کشورهای که مقید به اصول ایده نولوژیک خاصی بوده و ضمناً به دنبال توسعه اقتصادی - اجتماعی هستند مفید باشد.

ویژگیهای اصلاحات چینی پیشرفت در حین حفظ ثبات؛ ایجاد هماهنگی بین سیاست صنعتی و سیاست رقابتی؛ ایجاد پارکهای صنعتی در مناطق مختلف کشور؛ تحکیم و توسعه اقتصاد دولتی در حین حمایت و ارتقاء بخش خصوصی؛ حضور موثر چین در تعامل با بازیگران اصلی اقتصاد بین‌الملل؛ توسعه شهرسازی به موازات صنعتی شدن؛ سرمایه گذاری وسیع در زمینه توسعه و تحقیق، نوآوری، صنایع مبتکرانه و هوش مصنوعی؛ و مهم‌تر از همه جهانی شدن اقتصاد آن کشور می‌باشد. ظرفیت تولیدی مازاد چین باعث شد تا طرح یک کمربند، یک راه از سوی ریاست جمهوری چین مطرح شده و ۶۵ کشور را هدف قرار داده و سپس تعداد کل را به ۸۲ کشور و بازار زیربنایی آنها گسترش دهد. برای حمایت مالی از این طرح جاه طلبانه بانک سرمایه گذاری زیربنایی را بنا نهاد و زمینه را برای حضور موثر در نیمی از کشورهای جهان مهیا ساخت (کان هوئی، چاینا دیلی: ۲۰۱۹).

البته روند اصلاحات چهل ساله چین در سایه اقتدار دولت مرکزی، منابع مالی داخلی و خارجی، نگرش کلان جهانی و تعامل با شرکای خارجی به دست آمده است و اگر دولت چین می‌خواست بر مدل توسعه درونزا تکیه کند دستاوردهایش به مراتب محدودتر می‌گردید. حکمت و فلسفه چین محصول اقتصادی بسیار مناسبی به وجود آورد که توانست ۸۰۰ میلیون نفر را از خط فقر خارج کند.

چالشهای حاکمیتی: اما علیرغم مسائل فوق، دولت چین با چالشهای چندانی در زمینه حاکمیت ملی خود مواجه است و همزمان با افزایش اقتدار بین‌المللی با مشکل کاهش مشروعیت داخلی مواجه شده و به تدریج صبر و بردباری خود را نیز از دست می‌دهد. هنگ کنگ و تایوان که از سال ۲۰۱۴ پرچم خود مختاری و استقلال برداشته‌اند با تفسیرها و تهدیدهای گوناگون پکن مواجهند، مسلمانان سین کیانگ که به دنبال هویت مذهبی خود

هستند اجبارا به اردوگاههای بازپروری فکری فرستاده شده و از عنوان آموزش فنی-حرفه‌ای برایش استفاده می‌کنند، واتیکان باید اسقف‌ها و کاردینال‌های چینی را با نظر مقامات پکن که کوچکترین اعتقاد و آشنایی با مذهب ندارند انتخاب کند، خارجیان و به خصوص دیپلماتهای خارجی حق سفر به تبت را ندارند و دسترسی اتباع چینی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی فقط از طریق وی پی ان ممکن می‌باشد.

قدرت و مشروعیت تنها چالشهای هیئت حاکمه چین نیست، فرهنگ نامتجانس بخشهای گوناگون جامعه چین نیز در بلند مدت می‌تواند به شکافهای عمیق اجتماعی منجر شود. در دوره چهل ساله اصلاحات چین عمدتاً به آزاد سازی اقتصادی تحت نظارت دولت اهتمام ورزید و توانست "اقتصاد بازار مبتنی بر اصول سوسیالیسم" را اجرایی نماید. اما آنقدر که چین به توسعه اقتصادی و تحکیم مبانی توسعه سخت افزاری توجه کرد به فرهنگ و زیر فرهنگها نپرداخت. ساختار جامعه چینی مانند گذشته بر اساس اصول کنفوسیوس بنا شده است. سلسله مراتب اجتماعی کاملاً مشهود است و رابطه از راس هرم به قاعده بر اساس اقتدار شکل می‌گیرد. هر حرکتی از حزب کمونیست شروع و به همان حزب ختم می‌شود. در شرایط فعلی می‌توان چین را یک شبه ابر قدرت یا یک قدرت جهانی بدون داشتن یک فرهنگ با کلاس جهانی نامید. (لام: ۲۰۱۵، ۲۷۵)

۲- جنبشهای دامنه‌دار هنگ کنگ

هنگ کنگ یکی از دو منطقه اداری ویژه چین می‌باشد که وضعیت جغرافیای اش در جنوب کشور و در کنار دلتای رودخانه مروارید^۱ و دریای جنوب چین به آن موقعیتی استراتژیک داده است. در قرون وسطی مرکز صدور ابریشم، چای و ظروف چینی به جهان بود اما در قرن پانزدهم اروپائیه با سودای تجارت به منطقه وارد شده و پرتغال پایگاهی در ماکائو درست کرد. انگلیسی‌ها دست به کار تجارت محصولات مختلف شده و یکی از اقلامی که در قرن هجدهم به صورت کلان از هند به چین می‌فرستادند تریاک بود. خرید و فروش تریاک به تدریج با افزایش تعداد معتادان همراه شد، به نحوی که دولت چین در قرن نوزدهم تصمیم به ممنوعیت واردات

^۱. Pearl River Delta

تریاک گرفت که این امر به مذاق دولتمردان انگلیس خوش نیامد و به چین حمله کردند. در سال ۱۸۴۲ خاندان کینگ، هنگ کنگ را در جنگ اول تریاک به انگلیسی‌ها باخت و به مستعمره بریتانیا تبدیل شد. جنگ دوم تریاک ۱۸ سال بعد بین دو طرف واقع شد که انگلیس منطقه کولون را به تسخیر درآورد. در سال ۱۸۹۸ انگلیس بخش‌هایی از سرزمینهای جدید را تصرف و دولت چین را وادار کرد مناطق تسخیر شده را به همراه لانتائو و ۲۳۵ جزیره دیگر ۹۹ ساله اجاره دهد که هنگ کنگ فعلی را به مساحت بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مربع پدید آورد.

موافقتنامه بازگرداندن هنگ کنگ بین مارگارت تاچر و دنک شیائوپینگ امضا شد و بعداً در سازمان ملل نیز ثبت گردید. به موجب این توافق نظام یک کشور دو سیستم تاسیس شد، هنگ کنگ جزئی از حاکمیت ملی چین قلمداد میشود ولی دولت چین متعهد گردید تا خودمختاری منطقه اداری ویژه را به رسمیت شناسد، ۵۰ سال (۱۹۹۷-۲۰۴۷) نظام سرمایه داری هنگ کنگ را بلا تغییر گذاشته و تجارت آزاد را مجاز داند، قوه مستقل قضائیه و حکومت قانون را پاس دارد و از آزادیهای اجتماعی مانند آزادی بیان و مطبوعات دفاع نماید. همچنین، قانون پایه‌ای برای منطقه تدوین شد که ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تدوین می‌کرد. رئیس اجرایی بالاترین مقام هنگ کنگ است که برای یک دوره پنج‌ساله انتخاب می‌شود و مسائل جاری دولت را از طریق شورای اجرایی که همان نقش کابینه را دارد مدیریت می‌کند. وظایف قوه مقننه را شورای قانون‌گذاری بر دوش دارد که ۷۰ عضو آن اکثراً نماینده بازرگانان، اصناف و اتحادیه‌ها هستند و مردم فقط بیست نفر از نمایندگان را انتخاب می‌کنند. قوه قضائیه از استقلال کافی برخوردار بوده و با تبعیت از حقوق عرفی زمینه را برای ادامه مسیر پایه‌گذاری شده توسط انگلیس دنبال کند.

در سالهای اول چین که هنوز در مدار اعتمادسازی بین‌المللی حرکت می‌کرد نسبت به مفاد قرارداد متعهد بود، اما بتدریج رویه پکن تغییر کرد و این امر باعث تارضیاتی گروه‌های سیاسی این کشور شده است.

گروه‌های‌های مزبور را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول گروه طرفدار پکن بوده و هنگ کنگ را جزء لاینفک چین می‌دانند و دسته دوم که به بومی‌گرایان معروف هستند ظاهراً به دنبال دموکراسی و خودمختاری، و در باطن استقلال هنگ کنگ هستند. این مسئله از یکسو

باعث ایجاد تنشهایی بین حکومت چین و دستگاه اداری هنگ کنگ شده و از سوی دیگر تعارضاتی بین احزاب و گروههای اجتماعی پشتیبان دو طرف را دامن زده است. رفتار سازمانی این دو گرایش سیاسی از یکدیگر متفاوت بوده اما تا اندازه‌ای تحت تاثیر روابط شخصی در هرم قدرت پکن نیز قرار می‌گیرد، در حالی که در هنگ کنگ گذشته از تفاوت نظر در زمینه نوع برخورد با چین، مخالفان در باره حفظ استقلال در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی یگانگی نگرش دارند (پای، ۱۹۹۲: ۲۰۷).

طرفداران پکن پرچمداران هویت چینی و عمل در چارچوب سیاستهای کلان کشور هستند و به دنبال آنند که اصلاحات هنگ کنگ در چارچوب خواسته‌های پکن بوده، جامعه با مردم سرزمین اصلی همسویی بیشتری داشته باشد، نظام حقوقی آن استقلال کمتری نسبت به قوه مجریه داشته باشد و اقتصادش بیشتر از توریسم و سرمایه‌گذاری قلمرو اصلی متاثر گردد. در حالی که گروه دوم بر هویت هنگ کنگ تاکید داشته و با هر نوع چینی کردن سیاست، اقتصاد، جامعه و سیستم حقوقی مخالفت می‌ورزند. (لو، ۲۰۰۸: ۱۱۷)

ایدئولوژی ناظر بر روابط چین و هنگ کنگ: ایدئولوژیهای موجود که به روابط پکن با هنگ کنگ از سال ۱۹۹۷ شکل داده‌اند یکی شامل "ناسیونالیسم طرفدار پکن" است که نه تنها نوعی وفاداری وطن پرستانه به سرزمین اصلی چین دارند، بلکه دارای تعهد سیاسی به حزب کمونیست چین به عنوان تنها رژیم مشروع حکومت ملی در کل کشور می‌باشند. در حالی که بومی‌گرایی هنگ کنگی بیانگر یک حس بسیار قوی محلی یا منطقه‌ای است که در آن ساکنین یا اقلیتها نه تنها خودشان را متعلق به هنگ کنگ می‌دانند که در آن اقامت دارند، بلکه بیرونیها و مخصوصا چینیهای سرزمین اصلی را به عنوان یک تهدید برای منافع محلی خود در نظر می‌گیرند. البته باید در نظر داشت طرفداران ناسیونالیسم چینی خود به دو گروه محافظه کار و لیبرال تقسیم می‌شوند. ملی‌گرایان محافظه کار در هنگ کنگ و مقامات حامی آنان در چین معتقدند که باید سیستم موجود هنگ کنگ را حفظ کرد، منافع حکومت مرکزی در نظام "یک کشور، دو سیستم" اهمیت حیاتی دارد، خودمختاری موجود در هنگ کنگ توسط دولت مرکزی اعطا می‌شود و لذا این خودمختاری نمی‌تواند فراتر از خواسته مقامات پکن قرار گیرد.

برای مثال، ژان دجیانگ^۱ عضو سابق کمیته دائمی دفتر سیاسی (۲۰۱۷-۲۰۱۲)، وانگ ژنمین^۲ مشاور حقوقی دفتر نمایندگی چین در هنگ کنگ، رائو جپینگ^۳ عضو کمیته تفسیر قانون پایه هنگ کنگ از این افراد هستند. در ماه مه ۲۰۱۷ دجیانگ در سفری به هنگ کنگ به منظور ارزیابی عملکرد یک کشور دو سیستم تاکید کرد دولت هنگ کنگ باید قدرت حکمرانی فراگیر دولت مرکزی را همیشه مد نظر داشته باشد و مردم هنگ کنگ به صورت عام و کارمندان دولت این کشور به طور خاص قانون پایه خود را عمیقا مطالعه کنند. او از هنگ کنگی‌هایی که می‌خواهند کشور خود را از سرزمین اصلی مستقل کنند گله کرد و گفت موضوع تفکیک قوا در هنگ کنگ قابل اجرا نیست (لائو، ون وی پو: ۲۰۱۷).

وانگ ژنمین از هنگ کنگی‌هایی که به دنبال غربی کردن کامل هنگ کنگ هستند انتقاد کرده و گفت این منطقه اداری ویژه تبدیل به جایی شده که هر روز سیاستهای جمهوری خلق چین نقد می‌شود (ژنمین، اچ کی اف پی: ۲۰۱۷). رائو نیز پکن را مسئول نهادینه کردن روند ماده ۱۵۸ قانون پایه در زمینه اختیار تفسیر قانون پایه توسط کمیته دائمی حزب کمونیست می‌داند جیتینگ، (۲۰۱۶: ۳۹). (از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۶ کمیته دائمی پنج بار از این حق استفاده کرد. بار اول در ۱۹۹۹ در مورد حق اقامت شهروندان چینی در هنگ کنگ، بار دوم در ۲۰۰۴ در باره غیر ممکن بودن انتخاب مستقیم رئیس اجرایی و اعضای شورای قانون گذاری، بار سوم در ۲۰۰۵ در مورد طول دوره ریاست اجرایی، بار چهارم در مورد شکایت یک شرکت بر علیه جمهوری دموکراتیک کنگو و بار پنجم در ۲۰۱۶ در ارتباط با نحوه سوگند خوردن دو نماینده در مجلس (لو: ۲۰۱۵، ۷۴: ۸۴). از دید ملی گرایان محافظه کار تفاسیر پنجگانه لازم و مفید بوده و به از بین بردن نقاط مبهم و مناطق خاکستری کمک کرده است. بعضی از شاخص‌ترین این افراد مانند تونگ چائو یونگ^۴ رئیس اجرایی قبلی، خانم السی یئونگ^۵ وزیر دادگستری سابق و خانم رژینا ایپ^۶ وزیر امنیت قبلی می‌باشند.

1. Zhang Dejiang
2. Wang Zhenming
3. Rao Geping
4. Tung Chee-hwa-
5. Elsie Leung
6. Regina Ip

در بین کسانی که به عنوان ناسیونالیست لیبرال شناخته می‌شوند میتوان به جاسپار تسانگ^۱ رئیس سابق شورای قانون‌گذاری، آنتونی چئونگ^۲ وزیر سابق مسکن و راه، و کریستین لوه^۳ وزیر سابق محیط زیست اشاره کرد. همه افراد مذکور در ابتدا مواضع نسبتاً مستقلاً داشتند و بعضاً از سیاستهای رسمی پکن انتقاد می‌کردند اما پس از اخذ مقام، مواضع خود را تعدیل کرده و در چارچوب کلی موضع‌گیری می‌نمودند.

محافظه‌کاران در مورد نظام آموزشی هنگ کنگ بسیار حساسند و همواره خواهان آموزش اجباری تاریخ، فرهنگ و زبان چین در مدارس هنگ کنگ هستند که همواره با اعتراض مردم و مدیران مدارس مواجه شده است، چون معتقدند این امر به دنبال شستشوی مغزی کودکان دبستانی است. رئیس اجرایی قبلی هنگ کنگ، سی وای لئونگ^۴ وقتی در ژوئیه ۲۰۱۲ قدرت را در دست گرفت با ملاحظه مخالفت شدید مردم با سیاست آموزش ملی، اجرای آن را در سطح ابتدایی لغو کرد و در سطح متوسطه نیز به تصمیم شورای مدیران دبیرستانها واگذار نمود. موفقیت مخالفت عمومی با یک سیاست پکن باعث تعجب و خشم مقامات چین گردید و از آن به بعد روش خشن و محافظه‌کارانه‌ای در قبال هنگ کنگ در پیش گرفتند، به نحوی که در اکتبر ۲۰۱۷ خانم کری لام رهبر جدید هنگ کنگ در نطق خود در مجلس اجباری شدن درس تاریخ را در دبیرستانهای کشور اعلام تا محصلان بتوانند چین را بهتر بشناسند و احساسات ملی‌گرایانه آنها نسبت به جمهوری خلق چین افزایش یابد.

گذشته از آموزش ملی، موضوع امنیت ملی نیز همیشه از حساسیت دو جانبه‌ای برخوردار بوده است. بعد از تشکیل کمیسیون ملی امنیت در نوامبر ۲۰۱۳، ناگهان سه شخصیت اجتماعی هنگ کنگ متشکل از بنی‌تای^۵ کارشناس حقوقی، چان کین مان^۶ جامعه‌شناس و چویو مینگ^۷ کشیش، برنامه "محل سنترال"^۸ را اشغال کنید" را در اوایل ۲۰۱۴ طراحی کردند

1. Jasper Tsang
2. Anthony Cheung
3. Christian Lowe
4. Leung Chun-ying
5. Benny Tai
6. Chun Kean Man
7. Chu Yu Ming

^۸. سنترال منطقه‌ای است که قلب سیاست و تجارت هنگ کنگ به شمار می‌رود و اکثر ساختمانهای دولتی، بانکها، شرکت‌های چند ملیتی و سرکنسولگری‌های خارجی در آن واقع شده‌اند. انتخاب این محل به منظور جلب نظر بین‌المللی، پوشش خبری و ایجاد اختلال در رفت و آمد عمومی برای فشار بیشتر بر دولت صورت گرفت.

تا بتوانند مبانی دموکراسی در این کشور را تحکیم کنند. متقابلاً چین نیز موضع سختی در پیش گرفته و مفهوم امنیت ملی را از امنیت سیاسی به امنیت اقتصادی، بهداشت عمومی، مسائل فرهنگی و زیست محیطی تسری داد. پکن تلاش دموکراتیزه کردن هنگ کنگ را مانند تهدیدی برای امنیت ملی کشور بر شمرد و هر گونه تغییر سیاسی در هنگ کنگ را به مثابه تلاش کشورهای خارجی برای تقویت جای پای خود در هنگ کنگ و بقیه چین به حساب آورد. ضرورت مقابله با انقلابهای رنگین از سوی شی ژیپینگ یادآوری شد و موضوع دموکراتیزه کردن بعد ایده نولوژیک یافت. (اداره اطلاعات شورای دولتی چین، ۲۰۱۴: بیانیه مطبوعاتی).

جنبش چتر زرد: در سپتامبر ۲۰۱۴ کمیته دائمی حزب کمونیست چین تفسیری از رویه انتخاب رئیس اجرایی هنگ کنگ برای سال ۲۰۱۷ ارائه کرد که به موجب آن همه مردم می‌توانستند به دو یا سه کاندیدایی که توسط کمیته تعیین صلاحیت کاندیداها برگزیده شوند رای دهند. این کمیته ۱۲۰۰ عضو از اقشار و اصناف مختلف هنگ کنگ داشت و این فرمول می‌توانست رای عمومی را تضمین نماید، ولی احزاب دمکرات با این نظر که منتخبان پکن بتوانند کاندیداهای واجد شرایط را انتخاب کنند و برخی را بنا به دلایل مختلف کنار بگذارند مخالفت کرده و با شعار "دمکراسی ایرانی نمیخواهیم" راه را بر هرگونه توافقی با چین بستند.

جنبش چتر زرد یا جنبش اشغال سنترال از سپتامبر تا دسامبر ۲۰۱۴ فعال بود، ولی در این ماه رهبران جنبش به دلیل برخورد شدید پکن، تحلیل رفتن پشتیبانی مردم و اعتراض اصناف بر تاثیر منفی تظاهرات بر تجارت تصمیم به تعطیل اعتراضات گرفتند.

از دسامبر ۲۰۱۴ که جنبش چتر و اشغال سنترال به تدریج برچیده شد محافظه کاران دست به برگزاری کنفرانسها و سمینارهای متعددی زدند و در آنها به سختی گروههای طرفدار دموکراسی را مورد انتقاد قرار دادند. آنها همچنین با استفاده از میلیاردهای مسن هنگ کنگی که ثروت افسانه‌ای خود را مدیون رانتهای واگذار شده از سوی پکن هستند این فکر را ترویج می‌کردند که تغییرات دموکراتیک در جامعه باید تدریجی باشد و نباید امتیازات عظیم واگذار شده از سوی پکن به هنگ کنگ را فدای جاه طلبی تعدادی جوان خام و بی تجربه کرد.

در مقابل گروههای طرفدار دموکراسی نیز با استفاده از فضای سایبری و شبکه های اجتماعی تلاش کردند صدای خود را به گوش جوانان، روشنفکران، دانشگاهیان و کشورهای همسایه برسانند. برخی از بازرگانان لیبرال مانند جیمی لای و جورج کاترلی^۱ سعی می کردند منعکس کننده آرمانهای دموکراتیک در بین تجار باشند.

در سالهای بعد از اشغال سنترال لحن مقامات چینی نسبت به هنگ کنگ همواره تندتر شده است و رفتارهای پکن بیانگر از دست دادن شکیبایی است. سخنرانی شی ژپینگ در مراسم ادای سوگند کری لام رئیس جدید اجرایی هنگ کنگ در سال ۲۰۱۷ بیانگر این موضوع بود. هو جین تائو و جیانگ زمین که در مراسم مشابه تغییر رئیس اجرایی شرکت کرده بودند معمولاً با لحنی دیپلماتیک به دستاوردهای توافق و ضرورت همکاری همه نیروهای سیاسی اجتماعی برای تعمیق آنها اشاره می کردند، اما شی ضمن تاکید بر مفهوم "یک کشور، دو سیستم" به مسائلی از قبیل - خدشه دار کردن حاکمیت ملی چین از راه هنگ کنگ و غیر قابل قبول بودن مسائلی از قبیل خود مختاری و استقلال به عنوان خط قرمزهای جدی اشاره کرد و به مردم این منطقه توصیه کرد وقت و انرژی خود را صرف تامین امنیت ملی و توسعه اقتصادی کنند. وی اضافه نمود که پکن حاضر به گفتگو با کلیه نیروهای سیاسی و اجتماعی صرفنظر از مواضع آنها می باشد اما به هیچ وجه در مقابل تمایلات جدایی طلبانه صحبت نخواهد کرد.

وقتی دولتی در حین اقتدار از چنین الفاظی استفاده می کند بدین معناست که از سلطه بر قلب مردم احساس ناتوانی کرده و به دنبال سلطه از طریق ترس و رعب می باشد. این امر کار کری لام و گروهش را دشوار خواهد ساخت چون به منزله دستورالعملی برای دولت جدید بود که در جهت اجرای اصل ۲۳ قانون پایه باید مقررات لازم برای قیام و جدایی طلبی را وضع کرده و دروس چینی مانند تاریخ انقلاب، زبان و ادبیات چین، و نقش چین در نظام بین الملل را اجباری سازد. اقدام مشابهی در سال ۲۰۰۳ بیش از ۱۱۰ هزار نفر را به خیابانها کشید و باعث برکناری وزیر امنیت شد.

واکنش گروههای سیاسی مخالف به سه روز حضور شی و همراهان در هنگ کنگ نیز حکایت از نارضایتی عمیق نیروهای دموکرات جامعه می کند. بیش از ۱۰ هزار نفر از مردم با

¹. Jimmy Lai & George Cautherley

شعارهای گوناگون به خیابان آمدند تا ناخشنودی خود را از شکاف اجتماعی عمیق بین ثروتمندان و فقرا، وابستگی همه نیروها و شخصیتها به پکن برای بهره مندی از رانتها ابراز کنند. چین بیست سال پیش مجسمه گل باوهینیا را به عنوان سمبل آزادی و بازگشت به وطن در یکی از میادین نصب کرده بود. اولین اقدام نیروهای معترض سیاهپوش کردن این سمبل و آویختن شعارهای اعتراضی به آن بود. ده هزار نیروی امنیتی به کار گرفته شده برای مهار خشم مردم بیانگر حضور فعال نیروهای سیاسی جوانی بود که بعداً در انتخابات پارلمان توانستند کرسی هایی را از آن خود کنند اما به دلیل عدم سوگند به حاکمیت چین یا از مجلس اخراج شدند و یا در معرض اقدامات تنبیهی سختی قرار گرفتند.

به نظر می‌رسد در سالهای اخیر نظرات طرفداران چین و نیروهای حامی دموکراسی در مورد آینده سیاسی هنگ کنگ در حال دور شدن از هم می‌باشد. احزاب طرفدار دموکراسی با استناد به قانون پایه این کشور که به مبنی قانون اساسی معروف است بر این باورند که آزادیهای سیاسی و حقوق اجتماعی مردم هنگ کنگ در معرض تهدید قرار گرفته و پکن هیچ تمایلی به برگزاری انتخابات آزاد با حضور همه مردم از خود نشان نمی‌دهد. متقابلاً پکن با استناد به اصل "یک کشور، دو سیستم" از همان قانون پایه استدلال می‌کند که هر تغییری در هنگ کنگ در چارچوب "یک کشور" و با توجه به منافع ملی کلان چین صورت خواهد پذیرفت و با توجه به تقاضای هنگ کنگی‌ها برای خودمختاری بیشتر به کنترل و اعمال نفوذ بیشتر روی آورده است. در سالهای اول واگذاری هنگ کنگ شعار "یک کشور، دو سیستم" خوب عمل می‌کرد و هر دو طرف سعی می‌کردند تفاهم زیادی با هم نشان دهند تا در صورت موفقیت همین مدل برای تایوان نیز در نظر گرفته شود، اما در سالهای اخیر چینی‌ها روی "یک کشور" تاکید دارند و هنگ کنگی‌ها روی "دو سیستم". بیانات و رفتارهای اخیر رهبران چین نشان می‌دهد که از برخورد مسامحه آمیز سالهای اول پشیمانند و به این نتیجه رسیده‌اند که باید با قدرت موضوع هنگ کنگ را حل کنند تا درس عبرتی برای تایوان نیز باشد. شی جینپینگ، رئیس جمهوری چین در سخنرانی خود که به مناسبت چهلمین سالگرد اصلاحات اقتصادی این کشور ایراد شد، ضمن شرم سارانه خواندن دوره ۱۰۰ ساله واگذاری حکمرانی هنگ کنگ و ماکائو به سایر کشورها گفت، پکن از دست دادن حتی یک اینچ از سرزمین خود را تحمل نخواهد کرد.

اتفاقات سال‌های اخیر هنگ کنگ مانند ناپدید شدن پنج کتاب فروش هنگ کنگی^۱ یا شورش خشونت آمیز مون کوک^۲ باعث شده برخی از ناراضیان چینی به دولت این کشور پیشنهاد دهند عطای رهبری جهانی را به لقایش بخشیده و تلاش نماید نظم را در خانه خود و با همسایگان خود برقرار سازد. امری که با روی کار آمدن ترامپ و خلاء بین‌المللی قدرت به نظر نمی‌رسد چندان مورد توجه پکن قرار گیرد.

جنبش ضد استرداد: در سال جاری هنگ کنگ مجدداً صحنه تظاهرات مردمی گردید که علیه مداخلات روزافزون پکن در سیستم حقوقی هنگ کنگ بود. این اعتراضات که از نظر تعداد شرکت کنندگان چند برابر جنبش چتر زرد بود به دلیل طرح دولت در مورد استرداد مجرمین بود که در فوریه ۲۰۱۹ توسط وزیر امنیت ارائه گردید. علت ظاهری پیشنهاد استرداد مجرمین تایوانی بود. در سال ۲۰۱۸ یک زوج هنگ کنگی که برای جهانگردی به تایوان سفر کرده بودند در محل اقامت خود به قتل رسیدند و قاتلین فراری گردیدند. هنگ کنگ با تایوان موافقت نامه استرداد مجرمین ندارد و چون چین تایوان را به رسمیت نمی‌شناسد به دولت هنگ کنگ اجازه مذاکره چنین موافقتی را نمی‌دهد. طرح مزبور قرار بود متممی بر قانون معاضدت قضایی در زمینه مجرمین فراری به دلیل موضوعات جنایی باشد^۳ اما گنجاندن نام چین در کنار تایوان سوءظن عمومی را برانگیخت و باعث راه افتادن اعتراضات گردید. مردم که خاطره ناپدید شدن پنج ناشر هنگ کنگی در سال ۲۰۱۷ را از یاد نبرده بودند بر این باور بودند که بدون وجود قانون استرداد پلیس چین شهروندان هنگ کنگی را ربوده و محبوس کرده بود، اگر قانون استرداد به تصویب برسد تک تک شهروندان هنگ کنگی ممکن است در معرض استرداد قرار گیرند. گروهی دیگر نیز استدلال می‌کردند اگر هنگ کنگ جزئی از چین است تصویب قانون استرداد معنی

۱. کتابفروشی کازوی بی در هنگ کنگ دست به انتشار کتابهایی در مورد سیاستمداران چینی، کارهای خلاف قانون و مسائل اخلاقی آنها می‌زد. پنج فروشنده این بنگاه انتشاراتی در سال ۲۰۱۶ یکی پس از دیگری در هنگ کنگ ناپدید و بعد از چندماه دیده شدند.

۲. مون کوک محله ای در هنگ کنگ است که دستفروشها در شبهای سال نوی چینی غذاهای محلی را به فروش می‌رسانند. در سال ۲۰۱۷ کارمندان شهرداری قصد جمع کردن آنها و رفع سد معبر را داشتند که باعث اعتراض عمومی و چند روز درگیری با پلیس گردید که تعدادی از دو طرف مصدوم خسارات مالی زیادی به وجود آمد.

۳. Fugitive Offenders and Mutual Legal Assistance in Criminal Matters Legislation (Amendment)

ندارد چون هیچ کشوری با شهر یا استان خود موافقتنامه استرداد امضا نمی‌نماید. (کلیفیلد، ۲۰۱۹: ۲) تظاهرات میلیونی مردم باعث شد دولت که ابتدا بر موضع خود پافشاری می‌کرد توسط شخص رئیس اجرایی به دلیل ارائه نامناسب طرح و عدم توجه به حساسیتهای مردمی در تلویزیون از همه پوزش خواست. اما نارضایتی مردم همچنان ادامه دارد، چون کری لام از منتفی بودن طرح صحبت نکرده و فقط در باره مسکوت گذاشتن آن قول داده است.

به نظر می‌رسد در سالهای اخیر نظرات طرفداران چین و نیروهای حامی دموکراسی در مورد آینده سیاسی هنگ کنگ در حال دور شدن از هم می‌باشد. احزاب طرفدار دموکراسی با استناد به قانون پایه این کشور که به مینی قانون اساسی معروف است بر این باورند که آزادیهای سیاسی و حقوق اجتماعی مردم هنگ کنگ در معرض تهدید قرار گرفته و پکن هیچ تمایلی به برگزاری انتخابات آزاد با حضور همه مردم از خود نشان نمی‌دهد. متقابلاً پکن با استناد به اصل "یک کشور، دو سیستم" از همان قانون پایه استدلال می‌کند که هر تغییری در هنگ کنگ در چارچوب "یک کشور" و با توجه به منافع ملی کلان چین صورت خواهد پذیرفت و با توجه به تقاضای هنگ کنگی‌ها برای خودمختاری بیشتر به کنترل و اعمال نفوذ بیشتر روی آورده است. در سالهای اول واگذاری هنگ کنگ شعار "یک کشور، دو سیستم" خوب عمل میکرد و هر دو طرف سعی می‌کردند تفاهم زیادی با هم نشان دهند تا در صورت موفقیت همین مدل برای تایوان نیز در نظر گرفته شود، اما در سالهای اخیر چینی‌ها روی "یک کشور" تاکید دارند و هنگ کنگی‌ها روی "دو سیستم". بیانات و رفتارهای اخیر رهبران چین نشان می‌دهد که از برخورد مسامحه آمیز سالهای اول پشیمانند و به این نتیجه رسیده‌اند که باید با قدرت موضوع هنگ کنگ را حل کنند تا درس عبرتی برای تایوان نیز باشد. شی جینپینگ، رئیس جمهوری چین در سخنرانی خود که به مناسبت چهلمین سالگرد اصلاحات اقتصادی این کشور ایراد شد، ضمن شرم سارانه خواندن دوره 200 ساله واگذاری حکمرانی هنگ کنگ و ماکائو به سایر کشورها گفت، پکن از دست دادن حتی یک اینچ از سرزمین خود را تحمل نخواهد کرد. متقابلاً مردم نیز از این موضوع که روشهای اقتدارگرایانه چین در حال تحلیل بردن (دموکراسی نیمه جان هنگ کنگ است بسیار ناراضی هستند و آستانه تحملشان در حال کاهش می‌باشد. (چوگانی، ۲۰۱۹: ۲)

اتفاقات سال‌های اخیر هنگ کنگ مانند ناپدید شدن پنج کتاب فروش هنگ کنگی 22 یا شورش خشونت آمیز مون کوک 23 باعث شده برخی از ناراضیان چینی به دولت این کشور پیشنهاد دهند عطای رهبری جهانی را به لقایش بخشیده و تلاش نماید نظم را در خانه خود و با همسایگان خود برقرار سازد. امری که با روی کار آمدن ترامپ و خلاء بین‌المللی قدرت به نظر نمی‌رسد چندان مورد توجه پکن قرار گیرد.

۳- نهضت گل آفتابگردان تایوان

اگر در هنگ کنگ تجارت تریاک باعث شد سرنوشت کشور ۱/۵ قرن به دست انگلیسها بیفتد، تایوان نیز به دلیل معادن گوگرد و طلا، حضور خارجیان را در خاک خود تجربه کرده و در فاصله قرون ۱۷ تا ۱۹ بین پرتغال، اسپانیا و هلند دست به دست شد. در سال ۱۸۹۵ به دنبال شکست چین از ژاپن تایوان به مستعمره آن کشور تبدیل گردید و تا پایان جگ جهانی دوم در اشغال ژاپن‌ها بود. در پایان جنگ در کنفرانس قاهره تصمیم گرفته شد که با شکست ژاپن تایوان و منچوری مستقل شوند. پس از جنگ جهانی چینیها درگیر منازعات داخلی شدند و حزب کمونیست به رهبری مائو توانست بعد از پیروزی، جمهوری خلق چین را تشکیل دهد. پیروزی کمونیستها در جنگ داخلی چین باعث شد چیانگ کای شک^۱ رهبر حزب کومین تانگ^۲ نیروهای خود را به جزیره فرمز بکشاند تا بتواند جنگهای آزادیبخش خود را بر علیه سرزمین اصلی چین ادامه دهد. مائو نیز قصد داشت با حمله نظامی تایوان را پس بگیرد، اما وقوع جنگ کره در سال ۱۹۵۰ و اعزام ناوگان هفتم آمریکا به تنگه تایوان باعث به عقب افتادن تهاجم نیروهای چینی به جزیره فرمز شد.

چیانگ کای شک طی ۲۵ سال حکومت نظامی هر گونه آزادی سیاسی و اجتماعی را سرکوب کرد اما پایه‌های رشد و توسعه اقتصادی را بنا نهاد و به برکت حمایت سیاسی آمریکا و ژاپن و دریافت سالانه ۱/۵ میلیارد دلار کمک اقتصادی آمریکا به یک قدرت اقتصادی منطقه‌ای با توان صادراتی بالا تبدیل شود. بعد از مرگ شک پسر او چیانگ چینگ کوو^۳ قدرت را در سال

¹. Chiang Kai-shek

². Kuomintang (KMT)

³. Chiang Ching-kuo

۱۹۷۵ در دست گرفت و اجازه داد مردم از آزادی بیشتری برخوردار شوند، مطبوعات بدون هراس از دستگیری به انتشار افکار آزادیخواهانه پردازند و اولین حزب مخالف معروف به حزب دموکراتیک پیشرو (دی پی پی)^۱ شکل گیرد. در پایان دهه ۸۰ حکومت نظامی در تایوان برچیده شد، سیستم دو حزبی و مطبوعات آزاد به رسمیت شناخته شد و تایوان دموکراتیک به وجود آمد. پس از سال ۱۹۹۰ با توجه به گرایش استقلال طلبانه تایپه و پافشاری پکن بر چین واحد، شرایط منطقه رو به وخامت نهاد و با شدت گرفتن اختلافات، مقامات دو طرف در سال ۱۹۹۲ در سنگاپور ملاقات نموده و توافقی موسوم به چین واحد یا اجماع ۹۲ به دست آوردند. طبق این توافق تا زمانی که تایپه اصل چین واحد را محترم شمارد، پکن نیز خواهان روابط صلح جویانه در تنگه تایوان خواهد بود.

چین واحد: در عمل واژه "یک چین" نوعی ابتکار دیپلماتیک است که اجازه میدهد کشورهای مختلف روابط خود را با طرفین قضیه به صورت صلح آمیزی حفظ کنند و با بهره گیری از ابهام موجود در این مفهوم مجبور به انتخاب بین پکن و تایپه نشوند. اکثر کشورها روابط سیاسی را با پکن گسترش می دهند اما در توسعه روابط تجاری و کنسولی هم زمان منافع خود در دو طرف را در نظر می گیرند. این امر همچنین به تایوان اجازه داده است تا خودمختاری خود را حفظ کرده و همزمان روابط مسالمت آمیزی با پکن داشته باشد (وانگ و همکاران، دیپلمات: ۲۰۱۸).

از آن زمان حزب کومینگ تانگ هر وقت به قدرت رسید تلاش نمود بتدریج روابط دو طرف را بهبود بخشیده و مانع از بروز چالش جدی در روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شود. حزب کمونیست چین نیز با ارائه مشوقهای مختلف سعی در اثرگذاری بر افکار عمومی و رهبران تایوان داشت. موافقت نامه چارچوب همکاری اقتصادی^۲ در سال ۲۰۰۹ تلاشی برای کاهش اختلافات از راه همگرایی اقتصادی بین دو کشور بود. در سال ۲۰۱۳ دولت تایوان قرارداد تجارت خدمات با چین^۳ را امضا کرد تا چین ۸۰ بخش اقتصادی خود را به روی سرمایه گذاری

^۱ Democratic Progressive Party (DPP)

^۲ Economic Cooperation Framework Agreement (ECFA)

^۳ Cross-Strait Services Trade Agreement (CSSTA).

شرکتهای تایوانی بگشاید و متقابلاً تایوان نیز در ۶۴ بخش تسهیلات مشابهی به شرکتهای چینی ارائه دهد. هر دو موافقت نامه فوق توسط حزب در قدرت کومین تانگ و رئیس جمهور وقت تایوان ما بینگ جو امضا شده بود.

این قرارداد انتقادات زیادی در مجلس تایوان برانگیخت و به همین دلیل توافق شد حزب کومینگ تانگ که اکثریت مجلس و دولت را در اختیار داشت با حزب مخالف دی پی پی جلساتی برگزار کرده و قرارداد مربوطه را بند به بند بررسی و مذاکره نمایند. اما حزب کومینگ تانگ به دفع الوقت پرداخت و در نهایت با این استدلال که قرارداد با چین نهایی شده و چون امکان مذاکره مجدد آن وجود ندارد در مارس ۲۰۱۴ آن را برای رای گیری مستقیم در صحن مجلس ارائه نمود. اعتراض حزب دی پی پی به این برخورد باعث شد طرفداران حزب که اکثراً دانشجویان طرفدار دموکراسی و استقلال بودند پارلمان تایوان را به اشغال خود درآورده و ۲۴ روز آن را در تصرف خود نگه داشتند (روون، ۲۰۱۵: ۵). اما حرکت دانشجویان به منزله به چالش کشیدن حاکمیت چین در سرزمینهای مورد ادعایش بود. کسی توقع نداشت ناگهان گروهی دانشجویی جوان در هنگ کنگ و تایوان بتوانند قدرت وسیع چین را زیر سوال برده و ریاست جمهوری شی ژینپینگ را در ارتباط با این دو کشور متزلزل و غیر موثر نشان دهند (یان، ۲۰۱۷).

هرچند در قرن بیست و یکم حرکتهای استقلال طلبانه تایوان از چین مانند زنجیره انسانی "۲۲۸ دست در دست" سال ۲۰۰۴؛ "جنبش توت فرنگیهای وحشی" ۲۰۰۸؛ و بالاخره "۵۱۷ اعتراض" سال ۲۰۰۹ علیه نزدیکی بیش از حد به پکن شکل گرفته بود (مینگشوهو، گلوبال دیالوگ: ۲۰۱۹)، اما جنبش گل آفتابگردان به دلیل وقوع بعد از چتر زرد هنگ کنگ، اشغال پارلمان تایوان بعد از اشغال سنترال هنگ کنگ و طرح ادعاهای مشابه در باره هویت ملی و حفظ فاصله از چین اهمیت بیشتری یافت. رهبران جنبش دانشجویی مانند لین فی فان^۱، چن وی تینگ^۲، هوانگ کو چانگ^۳ و چهار نفر دیگر از دانشجویان توانستند نقش اصلی در بسیج دانشگاهها و جامعه مدنی تایوان ایفا کنند، هر چند که در اواخر سال ۲۰۱۸ توسط دادگاه تایوان محکوم شدند. تسای تینگ کوئی^۴ که رئیس انجمن اساتید دانشگاه تایوان بود نیز نقش

1. Lin Fei-fan,

2. Chen Wei-ting

3. Huang Kuo-chang

4. Tsay Ting-kuei

بسزایی در این جنبش به عهده داشت و بعداً نیز حزب آزاد تایوان را پایه گذاری کرد. در جریان اشغال مجلس، گروهی از دانشجویان نیز سعی کردند برخی وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی را نیز به تصرف خود درآورند ولی با مداخله خشن پلیس این تلاش ناکام ماند.

در سال ۲۰۱۵ ما رئیس‌جمهور تایوان و شی ژینپینگ رئیس‌جمهور چین در سنگاپور در اولین دیدار رهبران سیاسی دو طرف پس از پایان جنگ داخلی ۱۹۴۹ ملاقات نمودند، روابط تایپه-پکن در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیش از پیش توسعه یافت و افق روشنی پیش روی همکاری دو جانبه قرار گرفت. اما این ملاقات دانشجویان را به تحرک بیشتر واداشت و در نهایت نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در سال بعد را تحت الشعاع قرار داد.

در انتخابات سال ۲۰۱۶ خانم تسای اینگ وون^۱ به عنوان نامزد حزب دموکرات دولت حاکم کومینگ تانگ را شکست داد. وی در کارزارهای انتخاباتی خود علاوه بر ترسیم افق روشن اقتصادی، وعده حفظ وضعیت موجود در تنگه تایوان را داده بود. با این حال، تسای پس از به قدرت رسیدن، توافق ۱۹۹۲ و اصل چین واحد را زیر سوال برد. چنین رویه‌ای از سوی دولت وی باعث اختلاف مجدد با چین شد و اقدامات محدود کننده پکن همچون کاهش تعداد سفر گردشگران چینی به تایوان و فشار نظامی را در پی داشت. وضعیت امنیتی بی ثبات و تنش فزاینده با چین که مولفه بسیار تاثیرگذار بر وضعیت داخلی تایوان است، موجب نارضایتی مردم از عملکرد سیاست خارجی تسای گردید. برغم گرایش عمومی به حفظ هویت مستقل از چین، صلح و ثبات در تنگه و عدم ورود به درگیری بیشتر با پکن اولویت اصلی است (لیو، ۲۰۱۵: ۲۷). علاوه بر خسارات اقتصادی ناشی از تنش سیاسی با پکن، موضوعاتی چون هزینه‌های روزمره، اشتغال زایی، هزینه‌های زندگی، اصلاحات کاری و غیره نیز تاثیر بسزایی در داوری مردم داشته و همین مسئله سبب شکست حزب دی پی ی در انتخابات پارلمانی تایوان در سال ۲۰۱۸ شد و خانم تسای را وادار به استعفا از ریاست حزب خود کرد.

همان طور که به قدرت رسیدن خانم تسای به عنوان نامزد حزب دموکرات در سال ۲۰۱۶ به منزله ضربه‌ای به چین و پیروزی بزرگی برای آمریکا به شمار می‌آمد، شکست حزب دموکرات در انتخابات اخیر به گونه‌ای است که نتیجه گیری در رقابت‌های آتی ۲۰۲۰ ریاست جمهوری با

^۱. Tsai Ing Won

حضور تسای و یا هر نامزد دیگر حزب دموکرات دشوار به نظر می‌رسد. بازگشت به قدرت حزب ناسیونالیست کومینگ تانگ - همانند سال - ۲۰۰۸ با توجه به روابط دوستانه این حزب با چین و سابقه اجرایی موثر آن، بی تردید دستاورد بزرگی برای پکن خواهد بود. دولت چین نیز ضمن استقبال از پیروزی کومینگ تانگ در انتخابات اخیر آن را نشانه تمایل مردم تایوان به برقراری روابط بهتر با سرزمین اصلی برشمرده و سعی خواهد داشت با ایجاد شرایط اقتصادی و سیاسی مناسب‌تر از طریق همکاری با طرفداران خود در تایوان زمینه را هر چه بیشتر برای اقبال عمومی به کومینگ تانگ و پیروزی آن در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آماده کند. رئیس‌جمهور چین در سخنرانی خود به مناسبت چهلمین سالگرد آغاز اصلاحات کشورش اظهار داشت که منافع اساسی ملت چین در اتحاد کامل این کشور نهفته است و پکن با قدرت سیاست «چین واحد» و «اجماع ۱۹۹۲» را دنبال می‌کند. «ما قویا مخالف قدرت جدایی طلب تایوان می‌باشیم و به خوبی قادر به رهبری توسعه روابط در تنگه تایوان هستیم... ما اراده سیاسی قاطع و توانمندی بالایی برای دفاع از حاکمیت ملی و یکپارچگی سرزمینی مان داریم و اجازه واگذاری حتی یک اینچ از خاک مقدس کشورمان را نمی‌دهیم.» (جیانا و همکاران، چاینا دیلی: ۲۰۱۸)

تهاجم دیپلماتیک: در زمینه سیاست خارجی نیز تایوان با چالشی جدی مواجه است چون چین مدتی است دست به یک تهاجم دیپلماتیک علیه آن کشور زده است. کمکهای اقتصادی پکن به کشورهای در حال توسعه در چارچوب "یک کمربند، یک پهنه" سبب شده برخی از کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین با هدف جذب امکانات مالی چینی از خیر روابط سیاسی با تایوان بگذرند و به پکن نزدیک شوند. از زمان روی کار آمدن شی کشورهای سائو نومه و پرنسیپ، بورکینا فاسو، جمهوری دومینیکن، پاناما و هائیتی روابط دیپلماتیک خود را با تایوان قطع و تعداد کشورهای دارای روابط سیاسی با آن کشور را به ۱۸ کاهش دادند از ابتدای قرن ۲۱، ۱۴ کشور ترغیب به فاصله گرفتن از تایپه و نزدیکی به پکن شده اند (نگوین، تایوان نیوز: ۲۰۱۸). چین همچنین طی نامه‌ای به ۶۳ شرکت هواپیمایی که به آن کشور پرواز می‌کنند از آنان خواست از بردن نام تایوان به عنوان یک کشور مستقل خودداری کنند که این امر مورد

قبول اکثر آنها قرار گرفت. در سازمانهای بین المللی هم چین مانع از حضور نماینده تایوان در مجمع سالانه سازمان بهداشت جهانی گردید (کوئلهو، اکونومیست: ۲۰۱۶).

هر چند رئیس جمهور تایوان از جامعه بین الملل خواسته در مقابل سلطه جویی و افزون طلبی چین بایستد و با فشار روز افزون پکن به مثابه یک تهدید جهانی مقابله نماید، اما امید تایوان برای مقابله با زیاده خواهی چین در درجه اول به حمایت آمریکاست. با آنکه اکثر روسای جمهور ایالات متحده از سال ۱۹۷۰ به سیاست چین واحد پایبند بوده اند، دولت ترامپ روابط سیاسی - امنیتی خود با تایوان را توسعه داده و از این ترفند به عنوان اهرم فشار حداکثری برای محدود کردن نفوذ چین استفاده می نماید. همزمان با سفر ترامپ و همسرش با پکن، آمریکا دفتر نمایندگی فرهنگی خود در تایپه را افتتاح کرد. ابتدا قرار بود جان بولتون مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا در مراسم افتتاحیه شرکت کند ولی با فشار دولت چین معاون وزیر آموزش آمریکا مسئولیت گشایش دفتر را به عهده گرفت. در اوج اختلافات تجاری چین و آمریکا، در آخرین شب سال ۲۰۱۸ دونالد ترامپ قانون "ابتکار اطمینان مجدد آسیا"^۱ را امضا کرد و با تاکید بر تعهد آمریکا به ادامه عرضه سلاح به تایوان نمک جدیدی بر زخم چین پاشید. خانم تسای نیز با دلگرمی از پشتیبانی ترامپ در پیام سال نو مسیحی به پکن توصیه کرد شکست حزبش در انتخابات ماه نوامبر را به منزله صرف نظر کردن از حق حاکمیت خود در نظر نگیرد. فروش تسلیحات به تایپه و قائل شدن حق حاکمیت برای تایوان دو خط قرمز برای پکن به حساب می آید که نمی توانست بدون جواب بماند. اما پاسخ شسی ژینپینگ در عین قاطعیت حکایت از نوعی نگرش جدید می کرد. وی ضمن باز گذاشتن امکان استفاده از زور برای حل مشک تایوان، به رئیس جمهور آن کشور پیشنهاد کرد مدل "یک کشور، دو سیستم" را بپذیرد، مدلی که قبلا در هنگ کنگ تجربه شده و نتیجه اش حداقل برای مردم هنگ کنگ چندان رضایتبخش نبوده و لذا پیشنهاد قانع کننده ای برای تایوانها نیست. اما این امر می تواند به معنای تعدیل سیاست "یک چین" و اجماع ۱۹۹۲ تلقی شود و راه را برای مذاکره باز نماید. چهل سال پیش وقتی از دنگ شیائو پینگ در باره اختلافات ارضی با ژاپن سوال شد وی پاسخ داد "اگر نسل ما از حکمت کافی برای حل این نوع مشکلات برخوردار نیست عیبی ندارد این

¹. Asia Reassurance Initiative Act

مسائل را موقتا در یک قفسه بگذاریم و امیدوار باشیم نسل بعدی منطق کافی برای حل آن را در اختیار داشته باشد." (وو، اس سی ام پی: ۲۰۱۹) شاید شی ژیپینگ در صدد باشد رسالت نسل خود را به مرحله اجرا درآورد.

از سوی دیگر تشکیل گروه کواد متشکل از آمریکا، استرالیا، ژاپن و هند که از مخالفین پروژه یک کمربند یک راه چین هستند پکن را محدود کرده و تلاش دارند از ظهور این کشور به عنوان قدرتی بین‌المللی در سالیان آتی جلوگیری نمایند. چین اما همچون گذشته از درگیری مستقیم با آمریکا خودداری می‌نماید و در تلاش است با استفاده از قدرت نرم و ابزارهای اقتصادی، سایبری و دیپلماتی عمومی موانع ایجاد شده از سوی ایالات متحده را برطرف نماید.

در خاتمه باید اظهار داشت که روابط پکن و تایپه تحت تاثیر مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد و به تنهایی قابل حل بین دو طرف نیست. همان قدر که تایپه از افتتاح دفتر نمایندگی آمریکا خوشحال است به همان میزان هم نگران می‌باشد که در مذاکرات آمریکا با کره شمالی وجه المصلحه قرار گیرد و یا همان طور که پکن توانست مانع از حضور جان بولتون در افتتاح دفتر نمایندگی آمریکا شود مبدا تلاش برای جلوگیری از جنگ تجاری بین طرفین باعث کاهش سرمایه‌گذاری آمریکا و ژاپن در جزیره گردد. به عبارت دیگر، بازی کردن کارت تایوان برای تنظیم روابط دیگر کشورها با چین می‌تواند اثرات متفاوتی به دنبال داشته باشد.

نتیجه‌گیری

انقلاب چین در هفتاد سالگی به اوج قدرت داخلی و بین‌المللی خود رسیده و بر سر رهبری روند جهانی شدن در حال رقابت با آمریکا می‌باشد، رقابتی ایده نولوژیک، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. ده سال پیش در زمان بحران مالی بین‌المللی، چین به کمک آمریکا شتافت و با خرید اوراق قرضه توانست آن کشور را از ورشکستگی نجات دهد، اما اکنون به عنوان اولین صادر کننده و دومین اقتصاد جهان با دولتی در واشنگتن مواجه است که انواع محدودیتهای تعرفه‌ای و تزییقات دسترسی به فناوری پیشرفته را برایش فراهم کرده است.

علیرغم ظاهر به شدت قدرتمند چین به نظر می‌رسد آن کشور از نوعی فقدان مشروعیت داخلی و چالش‌ها جدی در زمینه حاکمیت ملی رنج می‌برد و شکیبایی خود را نیز بتدریج از

دست می‌دهد. چتر زرد و آفتابگردان تبدیل به تابوهای حاکمیتی پکن شده‌اند و سال ۲۰۱۴ شاهد اشغال قلب سیاسی-تجاری هنگ کنگ و پارلمان تایوان توسط گروهی دانشجوی ناراضی بود که به دنبال هویت بومی خود بوده و حاضر به پذیرش هویت تحمیلی چین نبوده و نیستند. در هنگ کنگ جرقه نهضت، طرح انتخاب رئیس اجرایی و تلاش برای تحمیل طرح پکن بود و در تایوان قرارداد تجارت خدمات بین پکن و تایپه و تلاش برای تحمیل نظرات پکن. مساله اما محدود به چین، هنگ کنگ و تایوان نمی‌شود و دول خارجی نیز دست به مداخله و اعمال نفوذ می‌زنند. در موضوع هنگ کنگ انگلیس و اتحادیه اروپا حساس هستند و در تایوان آمریکا، ژاپن، استرالیا و هند.

حاصل دو جنبش دانشجویی ۲۰۱۴ در هنگ کنگ و تایوان متفاوت بود. در هنگ کنگ دانشجویان نتوانستند خواست اصلی خود یعنی جامعه عمل پوشاندن به توافق انگلیس و چین برای مشارکت عامه مردم در انتخابات و تعیین رئیس اجرایی و نمایندگان مجلس با رای مستقیم را به دست آورند. نظام انتخابات تغییر نکرد و فضای سیاسی بسته شد. آزادیهای اجتماعی محدود شد و نمایندگان پکن در جزئیات اداره امور هنگ کنگ نیز دست به مداخله زدند. در تایوان ولی نتیجه انتخابات ریاست جمهوری مستقیماً تحت تاثیر جنبش آفتابگردان قرار گرفت، حزب کومینگ تانگ قدرت را از دست داد و حزب دموکرات پیشرو توانست از صندوق رای سربلند بیرون آمده و توانست اصل "چین واحد" را به چالش بکشد، اما در انتخابات اخیر صحنه تغییر کرد و آرایش سیاسی به همان وضعیت سابق برگشت.

هرچند جنبش گل آفتابگردان تایوان در سال ۲۰۱۴ به منزله مخالفت با سیاست نزدیکی بیش از حد به پکن بود، اما در سال ۲۰۱۹ نیز گروه دیگری از تایوانیها از نزدیکی بیش از حد تایپه به واشنگتن ناراضی شده و خواستار حفظ رابطه‌ای متعادل به منظور عدم تحریک پکن به منظور حمله نظامی به تایوان هستند. در هنگ کنگ هم در سال جاری این سوال پیش آمده که حتی اگر استقلال هنگ کنگ امری عملی باشد آیا هنگ کنگ بدون دسترسی به بازار و اقتصاد چین امکان ادامه حیات خواهد داشت؟ زمانی که هنگ کنگ از سوی انگلیس به چین برگردانده شد سهم هنگ کنگ از تولید ناخالص چین معادل ۲۰ درصد بود در حالی که این رقم در پایان ۲۰۱۸ به نزدیک ۴٪ تنزل کرده است.

منابع و مأخذ

1. Alice Wu((2019): “Wise words in short supply as Trump, Xi and Tsai get off on the wrong foot in 2019”, 7 Jan 2019, available at : <https://www.scmp.com/comment/insight-opinion/united-states/article/2180747/wise-words-short-supply-trump-xi-and-tsai-get>
2. Alicia Nguyen,(2018) , “14 countries cut diplomatic ties with Taiwan due to China pressure in 18 years, Taiwan News”, 2018/05/25 available at <https://www.taiwannews.com.tw/en/news/3440023>
3. Chan Phil C.W(2015) **China, State Sovereignty and International Legal Order**, Leiden, Brill Nijhof
4. Cheng Li (2016) **Chinese Politics in the Xi Jinping Era: Reassessing Collective Leadership**, John L. Thornton China Center, Brookings Institution Press,
5. Chugani, Michael,(2019), “Is HK tilting from a semi-democracy to a semi-dictatorship?”, 23 May 2019 available at: <http://www.ejinsight.com/20190523-is-hk-tilting-from-a-semi-democracy-to-a-semi-dictatorship/>
6. Felipe Coelho, (2016), “ Hallucinations and fleeting clouds ”, The Economist, Jan. 23rd, 2016, accessed on Mar.19th, 2016, <http://www.economist.com/node/21688851/print>
7. Gitting Danny (2016) **Introduction to the Hong Kong Basic Law**, Hong Kong, Hong Kong University Press
8. Ho Ming-sho, (2018) : **The Sunflower Movement and Taiwan’s Embattled Sociology**, National Taiwan University, Taiwan, available at <http://globaldialogue.isa-sociology.org/the-sunflower-movement-and-taiwans-embattled-sociology/>
9. Ho Ming-sho (2019) Challenging Beijing's Mandate of Heaven, Taipei, Temple University Press
10. Huang Qunhui , (2019), Chinese wisdom' is a boon for industrialization, CHINA DAILY HK EDITION, Jan.16, 2019, accessible at <http://www.chinadaily.com.cn/a/201901/16/WS5c3e832aa3106c65c34e4af1.html>
11. Hui, Feng (2016) **The Politics of China's Accession to the World Trade Organization: The Dragon Goes Global** (Routledge Contemporary China Series), Geneva , World Trade Organization,
12. Ian Rowe, (2018): “Inside Taiwan's Sunflower Movement, *Cambridge Core, Fulbright Taiwan, 2018-08-17*”
13. Information Office of the State Council, People’s Republic of China, The Practice of the “One Country, Two Systems” Policy in the Hong Kong Special Administrative Region (Beijing: **Foreign Language Press**,

14. Jianna Liu, Yao Yuxin and Pan Yixuan, (2018), "China's reform moves forward in its own way", **CHINA DAILY HK EDITION**, December 20, 2018, <https://www.chinadailyasia.com/articles/76/23/144/1545276578622.html?newsId=57029>
15. Karen Cheung (2017) Liaison Office legal chief Wang Zhenmin: Hong Kong is part of Red China, **HKFP**, Dec. 5, 2017 available at <https://www.hongkongfp.com/2017/12/05/liaison-office-legal-chief-wang-zhenmin-hong-kong-part-red-china/>
16. Lam , Willy Wo-Lap (2015) **Chinese Politics in the Era of Xi Jinping: Renaissance, Reform, or ...**, London, Rutledge,
17. Lau, Lawrence J (2018) "The Chinese Economy in the New Era", IGEF Working Paper No. 69, Lau Chor Tak Institute of Global Economics and Finance, **The Chinese University of Hong Kong**, July 2018
18. Liu, Frank C.S., (2015), "Survey on Cross -Strait Relations", Institute in Political Science, **National Sun Yat-Sen University**, Kaohsiung, Republic of China (Taiwan), November 20th– December 14th, 2015.
19. Lo, Sonny Shiu-hing (2008) **The Dynamics of Beijing-Hong Kong Relations: A Model for Taiwan**, Hong Kong: Hong Kong University Press
20. Lo, Sonny Shiu-hing (2015) **Hong Kong's Indigenous Democracy**, London, Palgrave Macmillan
21. Mearsheimer ,(2014), "Say goodbye to Taiwan," March-April 2014 issue, *The National Interest*, Feb. 25, 2014 <https://nationalinterest.org/article/say-goodbye-taiwan-9931>
22. Pye, Lucian W. (1992) **The Spirit of Chinese Politics** Cambridge, MA: Harvard University Press
23. ROWEN, Ian: "Sunflower Movement: Twenty-Four Days in a Student-Occupied Parliament, and the Future of the Region", *The Journal of Asian Studies* Vol. 74, No. 1 (February) 2015: 5 – 21. © The Association for Asian Studies, Inc., 2015 doi:10.1017/S0021911814002174
24. Stuart Lau (2017), "Chinese state leader Zhang Dejiang announces Beijing's plans to tighten grip on Hong Kong", **Wen Wei Po**, 27 May 2017, available at: <https://www.scmp.com/news/hong-kong/politics/article/2095923/chinese-state-leader-zhang-dejiang-details-beijings-plans>
25. Stuart Lau and Gary Cheung, (2015), "Hong Kong Reform Package Rejected as Pro- Beijing Camp Walk Out in 'Miscommunication'," **South China Morning Post**, June 18, 2015, available at : <http://www.scmp.com/news/hong-kong/politics/article/1823398/hong-kong-political-reform-packagevoted-down-legco-leaving>, accessed April 13, 2018.

26. Wang Austin Wang, Charles K.S. Wu, Yao-Yuan Yeh, & Fang-Yu Chen,(2018), “ What Does the 1992 Consensus Mean to Citizens in Taiwan?”, Nov. 10, 2018, <https://thediplomat.com/2018/11/what-does-the-1992-consensus-mean-to-citizens-in-taiwan/>
27. Yeung, Allen Au-(2018), “What Is One Belt, One Road Strategy All About?” **South China Morning Post**, available at Post, <http://www.scmp.com/news/hong-kong/economy/article/1900633/whato-belt-one-road-strategy-all-about>>, January 13, 2016, accessed April 13, 2018.
28. Yiu-chung Wong (2004) **One Country, Two Systems" in Crisis: Hong Kong's Transformation Since the Handover**, London, Lexington Books

